

نقد نمایش «لانچر ۵» و واکاوی دلایل استقبال از آن؛

بازگشت به رئالیسم قصه گوی خوش ساخت



سید حسین رسولی

این روزها نمایش «لانچر ۵» به نویسندگی و کارگردانی پویا سعیدی و مسعود صرامی که کاری از گروه تئاتر «هفتاد» است در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه است. این نمایش از سوی منتقدان و تماشاگران با استقبال روبه رو شده است و ما هم دلیل این امر را در نوشته پیش روی می‌کولیم.

در جستجوی

رئالیسم سیاسی قصه گو

نمایش «لانچر ۵» چند کوشش ویژه را در بدنه قلب تپنده تئاتر معاصر ایران انجام می‌دهد که باید به آنها پیر دایم، این موارد به ترتیب زیر دسته‌بندی شده‌اند:

۱- دوری از افراط در کاشت و برداشت نشانه و نمادهای فردی؛ نویسندگان این نمایش، داستان خود را به سادگی هر چه تمام‌تر پیش می‌برند. آنان یک داستان کارآگاهی را در دل یادگان نظامی روایت می‌کنند. سروان شایگان (بازرس یادگان) بازی در خشان امیر نوروزی در تلاش برای کشف راز سه قتل است. بازرس مانند هر کسول پوار می‌خواهد نوعی روایت خطی را از قتل‌های بی‌دری ایجاد کند و بازل نامیزان و کج و معوج را به تعادل برساند. دیویدمتم جمله‌بازهای دارد که می‌گوید: «حقیق، سادگی را حفظ کن».

۲- هر هیز از شاعرانگی، هذیان‌گویی روگانه و خودشیفتگی فردگرا؛ نویسندگان «لانچر ۵» یک روایت رئالیستی را با درونمایه‌های سیاسی و

اجتماعی پیش می‌برند. آنان از لحن‌ها و ژانرهای مختلفی چون کمدی، درام، معمایی، پلیسی و جنایی به خوبی استفاده می‌کنند. فضایی مردانه را شاهد هستیم که خشونت در آن بیدار می‌کند. حتی نویسندگان در دیالوگ‌ها به این موضوع اشاره مستقیم هم می‌کنند. بازرس شایگان هم به یکی از افسر وظیفه‌های خود دستور می‌دهد به مرخصی برود و با یک زن عکس بیندازد و به عنوان مدرک برای او بیاید. البته بسیاری از این مفاهیم جدی با لحن کمدی پیش می‌رود. سادگی روایت و کارگردانی بسیار مهم است و این امر از تجربه و شناخت فراوان از اصول درام می‌آید.

۳- هر هیز از حضور سلبرتی‌های بی‌هنر و توجه به کیفیت بالای متن و اجرا؛ کارگردانان نمایش «لانچر ۵» را گروهی جوان تشکیل داده‌اند و از سلبریتی‌ها و حضور هنرمندان بی‌هنر دوری کرده‌اند. این مسئله چندین حسن دارد. به‌طور مشخص، اجرائی یکدست را می‌بینیم. کیفیت کار بازیگران به یکدیگر نزدیک می‌شود و شاهد «وحودت در بازی» هستیم. باین وجود، کیفیت بازی امیر نوروزی به شدت به چشم می‌آید. او بازیگری است که توانسته لحن‌های کمدی و جدی را به خوبی در هم آمیزد و یک کاراکتر پیچیده را به تصویر بکشد. به نظری می‌آید که آینده درخشانی در انتظار اوست. در نهایت تمام گروه در پیشبرد کلیت نمایش دخیل هستند.

۴- نمایش «لانچر ۵» به خوبی از زو و بندهای رایج در تئاتر معاصر ایران دوری می‌کند. این سال‌ها شاهد موج پرننگی از زدوبند و اجراهای رانتهی و بی‌کفایت در سالن‌های دولتی هستیم. سالن‌های خصوصی هم که تکلیفشان مشخص است. آنان با اندیشه بازار و پول و روابط پیش می‌روند ولی سالن‌های دولتی به شدت رانتهی و زد و بندی هستند. این موضوع ضربه‌ی خشن‌تری به جریان‌سازی در تئاتر ایران زده است. همچنان، اجرائی نمایش فاجعه‌ای چون «مرازا» به نویسندگی و کارگردانی سیروس همی در سالن ایران‌شهر همچنان اذهان نویسندگان مستقل تئاتر را به خود مشغول کرده است. نمایش «لانچر ۵» یک اثر مستقل و خاص است و دیگر خبری از کیفیت پایین اجراهای علیرضا کوشک‌جلالی و اشکان خطیبی نیست.

۵- تاکید ویژه بر هم‌زمنی متن و تمرینات فراوان برای رسیدن به فضاسازی، خلق موقعیت دقیق دراماتیک، ریتم مناسب و بازی‌های کاراکترهای رئالیستی جذاب. نمایش «لانچر ۵» از نظر مسائل تکنیکی کارگردانی بسیار پیشرو و حرفه‌ای عمل می‌کند. متأسفانه بسیاری از کارگردانان با سابقه و کهنسال ایرانی از تکنیک و اجرای درست متن غافل شده‌اند و به سراغ گیشه‌باز و فلسفه پول رفته‌اند.

۶- انضمامی شدن و دوری از فضاهای انتزاعی؛ انتزاع‌گرایی اغلب نویسندگان ایرانی در دو دهه اخیر یکی از آفات جدی تئاتر شده است. آنان به شدت از انضمامی شدن فراری هستند. نمونه‌بازر چنین نویسندگانی هم محمد چرمشیر

بهره برده است. نویسندگان این نمایش به خوبی از استعاره‌گویی مالمیخولیایی دوری کرده‌اند.

۹- یک داستان خوب یک روایت مناسب دارد. این جمله مشهور رابرت مکی کی است. اگر در نمایش «لانچر ۵» شاهد روایتی از زاویه دید سربازان بودیم، با مشکلات فراوانی از جمله دیالوگ‌های جعلی و شعاری مواجه می‌شدیم؛ ولی زاویه دید این نمایش به نگاه سروان شایگان، بازرس یادگان، گروه خورده است. ۱۰- «رهایی» از «خودشیفتگی» و «جامعه‌نمایش»؛ زیگموند فروید در «پیش‌درامی بر خودشیفتگی» می‌نویسد: «مطالعه مستقیم درباره خودشیفتگی واجد بر برخی دشواری‌های خاص است. عمده‌ترین راه‌پی بردن مایه ویژگی‌های این بیماری، احتمالاً تحلیل بیماران هذیان زده است... توانسته‌ایم... بر سربس زوال عقل پیش‌رس و پارانو یا به بصیرت‌هایی درباره روانشناسی «خود» برسیم... البته از سربس رهیافت‌ها که شناخت بهتری را جمع‌ی خودشیفتگی به ما می‌دهند می‌توان کمک گرفت... روزمره‌گریزان است. البته دیالوگ‌نویسی ایرانی حرف‌های فراوانی برای گفتن دارد، ولی قصه‌گویی دراماتیک ما پیش‌روی چندانی نداشته است. این مساله در نمایش «لانچر ۵» تبدیل به پروبلم اصلی شده است. اورتویه متن و هم‌زمنی عناصر پیرنگ، نمایشنامه «لانچر ۵» را به یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌های ایرانی در زمینه قصه‌گویی رئالیستی تبدیل کرده است. دو نویسنده جوان و گمنام این متن توانستند تا تماشاگران فراوانی را به تئاتر شهر بکشانند. باید یاد این اتفاق به مدیریت تئاتر شهر تبریک ویژه گفت.

۷- یک نمایش قصه‌گوی رئالیستی با تمام پال و دم و پاهایش را شاهد هستیم. این موضوع مدت‌ها بود از یاد ما رفته بود و در گفت‌وگوهای فراوانی هم که با کارگردانان ایرانی داشتیم با پاسخ‌های عجیبی در این زمینه روبه‌رو شدیم. برخی می‌گفتند: «تا چه زمانی باید قصه بگوییم؟!» بر خسی دیگر هم می‌گفتند که: «از تئاتر رئالیستی قصه‌گویبازر هستیم». نمایش «لانچر ۵» به ما گوشزد کرد که قصه‌گویی در دست و درمان بر بستر رئالیستی، حقایق شگرفی را برای مخاطب فعلی و آیندگان به‌ارمعان می‌آورد و به شدت هم جذاب است.

۸- احسان صرامی برای نقد این نمایش از اصطلاح درست «نخب‌استعاره»

۱۱- رئالیسم سیاسی، یکی از نکات بسیار مهم تئاتر توجه به «امر سیاسی» است. بحث نظری این موضوع را در عالم سیاست می‌توانید در کتاب‌ها و مقالات کارل اشعیت دنبال کنید. یکی از مشکلات نمایش «لانچر ۵» خالی شدن از بحث سیاست روز و توجه به سیاست گذشته است. در واقع، سانسور و ارزش‌های میز مدیریت، نمایش‌هایی مانند «لانچر ۵»، از نظر سیاسی بی‌اثر می‌کنند، ولی این نمایش توانسته در زیر متن و دیالوگ‌ها به این موضوع بپردازد.

۱۲- رابرت مکی کی می‌نویسد: «داستان خوب یعنی داستانی که ارزش

اخبار نمایش

آیین‌نامه اختلافات صنفی در خانه تئاتر مصوب شد



انجمن بازیگران خانه تئاتر

آیین‌نامه منازعه و اختلافات صنفی خانه تئاتر ایران و فعالان تئاتری ایران که توسط محمد رضا غفاری، وکیل این خانه تهیه و تنظیم شده بود، در شش ماده توسط هیئت‌مدیره مرکزی خانه تئاتر مصوب شد. طبق این آیین‌نامه اعضای شورای داوری خانه تئاتر متشکل از یک مسئول شورا است که توسط هیات مدیره خانه تئاتر انتخاب می‌شود و دو عضو که توسط این مسئول منتخب مصوب می‌شوند. همچنین طبق این آیین‌نامه مدت خدمت این شورا تا پایان ماموریت هر دوره از هیات مدیره وقت خانه تئاتر خواهد بود و پس از خاتمه مدت ماموریت اعضای هیات مدیره هر زمان ماموریت این افراد نیز به پایان می‌رسد. انتخاب مجدد مسئول و اعضای شورا به این سمت‌ها برای دوره‌های متوالی ممنوع ندارد. این آیین‌نامه مشتمل بر ۶ ماده و ۴ تبصره در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۹۸ مورد تصویب هیات مدیره خانه تئاتر قرار گرفت و از تاریخ تصویب لازم‌الاجراست و از این پس، آیین‌نامه شورای داوری خانه تئاتر ایران مصوب پنجم اسفند ۱۳۸۸ و بازنگری مجدد آن در تاریخ ۱۲ مرداد ۸۹ ملغی و بی‌اثر خواهد بود.

جلال تهرانی «لاموز یکاسوم» را به صحنه می‌برد



جلال تهرانی قصد دارد بعد از ۲ سال دوری از کارگردانی تئاتر، نمایشی را روی صحنه ببرد. «لاموز یکاسوم» نمایش تازه جلال تهرانی بازیگری که شخصیت اصلی قصه به مثابه قهرمان اسطوره‌ای است. او از دنیای عادی وارد دنیای ویژه می‌شود و مراحل مختلفی برای رسیدن به اکسیر (درونی و بیرونی) را طی می‌کند و در نهایت به دنیای عادی می‌گردد. بازیگران می‌گویند که این نمایش برای بازیگران این اثر نمایشی هستند. آخرین اثر این نویسنده شناخته شده تئاتر «دو دلک و نصفی» در سالن اصلی تئاتر شهر بود که با استقبال نه‌چندان گرم مخاطبان دنبال شد. سبک نوشتاری و طراحی نور و صحنه جلال تهرانی از مهم‌ترین شاخصه‌های اجرائی او به حساب می‌آید. سالن مکتب‌تهران در خیابان کریم خان، خیابان عضدی (آبان جنوبی)، کوچه کیوان واقع شده است. چهره «رافراموش تکنید»

آرزوی سمندریان در تئاتر شهر اجرامی شود

شهاب‌الدین حسین پور قصد دارد در بهار سال ۹۹ نمایش «گالیله» را در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه ببرد. وی گفته است اجرای این نمایشنامه بر پشت‌راز سال ۹۴ با مدیران و مسئولان مختلف اداره کل هنرهای نمایشی در میان گذاشته است و همچنین درباره صحنه‌پردن نمایش «گالیله» به یاد حمید سمندریان، مذاکره کرده است. حمید سمندریان در نظر داشت نمایش «گالیله» را در سالن‌های مختلف تهران روی صحنه برد؛ اما مشکلات متعددی موجب شد آرزوی اجرای این نمایش برای یکی از مهم‌ترین چهره‌های تئاتری ایران عملی نشود. آخرین بار خبرهایی مبنی بر حمایت محمدباقر قالیباف برای اجرای «گالیله» در سالن سمندریان ایران‌شهر شنیده شد که جامعه عمل به خودنپوشید. حسین پور به خبرگزاری مهر گفته است هم با تالار وحدت و هم با مجموعه تئاتر شهر درباره اجرای این اثر رایزنی کرده که در نهایت تئاتر شهر برای اجرا در سالن اصلی این مجموعه موافقت کرده است و بر این اساس قرار است در بهار سال ۹۹ نمایش «گالیله» در این سالن اجرا شود.

نمایش «لانچر ۵» از نظر مسائل تکنیکی کارگردانی بسیار پیشرو و حرفه‌ای عمل می‌کند؛ تاکید ویژه بر هم‌زمنی متن و تمرینات فراوان برای رسیدن به فضاسازی، خلق موقعیت دقیق دراماتیک، ریتم مناسب و بازی‌های رئالیستی جذاب

شنیدن را داشته باشد و شنونده بایننده بخواند آن را گوش دهد و دغدغه‌های زیادی در آن جریان داشته باشد. نویسنده باید به داستان عشق بوزد و بتواند به این موضوع اعتقاد داشته باشد که بتواند تنها از طریق داستان صحبت خود را جلو ببرد. شما نباید بحران‌ها و نقاط اوج داستان را فراتر از نیروی قهرمان داستان قرار بدهید یعنی قانون مخالفت با معجزه‌های ناگهانی، غافل‌گیری ممنوع است! نمایش «لانچر ۵» به جای غافل‌گیری، دست‌روی تعلیق چندمرحله‌ای گذاشته است. روایت‌های گوناگونی هم از طریق شخصیت‌ها مطرح می‌شود و حقایق به شکل نسبی در می‌آیند. هر شخصیت یک روایت را بیان می‌کند. این اتفاق در داستان‌های خورخه لوئیس بورخس، ویلیام فاکنر، فیلم‌های پلیسی و جنایی و همچنین فیلم ژاپنی «راشومون» (۱۹۵۰) به کارگردانی آکیرا کوروساوا رخ می‌دهد.

اکسیر قهرمان

جوزف کمپل در «قهرمان هزار چهره» یا «سفر قهرمان» تاکید می‌کند که شخصیت اصلی قصه به مثابه قهرمان اسطوره‌ای است. او از دنیای عادی وارد دنیای ویژه می‌شود و مراحل مختلفی برای رسیدن به اکسیر (درونی و بیرونی) را طی می‌کند و در نهایت به دنیای عادی می‌گردد. بازیگران می‌گویند که این نمایش برای بازیگران این اثر نمایشی هستند. آخرین اثر این نویسنده شناخته شده تئاتر «دو دلک و نصفی» در سالن اصلی تئاتر شهر بود که با استقبال نه‌چندان گرم مخاطبان دنبال شد. سبک نوشتاری و طراحی نور و صحنه جلال تهرانی از مهم‌ترین شاخصه‌های اجرائی او به حساب می‌آید. سالن مکتب‌تهران در خیابان کریم خان، خیابان عضدی (آبان جنوبی)، کوچه کیوان واقع شده است. چهره «رافراموش تکنید»

افراد قربانی همچون خودشان قرار گرفته‌اند. بعد روانشناختی باید خاطر نشان کرد «مرد بالشی» نمایش همه افرادی است که در جامعه در کنار هم نفس می‌کشند و زنجیروار به‌هم‌افزای موقعیت‌های اجتماعی که در آن نقش دارند، به یکدیگر وصل هستند؛ حال آنکه نکته ناکام‌کننده آن است هر کدام از این انسان‌ها بادر جات و شدت‌های متفاوتی قربانیان دوران کودکی و نحوه الگوهای تربیتی والدین خویش هستند. بنابراین این می‌توان گفت همه انسان‌ها در هر موقعیت اجتماعی و بر حسب میزان آگاهی خود، قربانیان اجتماعی هستند که آن اجتماع خود، قربانی افراد زیر مجموعه است. از اینرو باید اذعان داشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم شاکله‌ای است از افرادی که هر کدام مملو از عقده‌ها، کمبودها و ناآگاهی‌هایی هستند که آن نیز برآمده از جریان تربیتی و آموزشی همان اجتماع است؛ همین امر سبب می‌شود رابطه علت و معلولی مشخص و دقیقی وجود نداشته باشد چون جامعه و مجموعه افرادی که آن را تشکیل می‌دهند زنجیروار به هم وصلند و همه با هم در بروز و نمود خشونت نقش دارند. ابتدا والدین با انعکاس‌های

واکاوی کودک آزاری؛ خانواده مقصر است یا جامعه!

کودک از آن برمی‌تابد مملو از خشم و خشونت و سرکوب باشد، تنها می‌تواند به خلقتی نادرست و ناکارآمد سازمان شخصیتی منجر شود؛ به عبارتی نمایش «مرد بالشی» در تلاش برای انتقال فهم این مسائل است کودک‌کشی که در دنیای کودکانه به طرز فاجعه‌باری مورد آزار و آذیت و مجازات از سوی والدین قرار بگیرند به دلیل آنکه تنها تجربیات خشونت‌بار و خون‌خواهانه‌ای در جهان کودکانه آنها نقش بسته است ناگزیر به سرنوشته نامعلوم در آینده هدایت می‌شوند. یک بخش از نمایش «مرد بالشی» داستان پسری ۱۴ ساله است که به دلیل علاقه و محبتی که نسبت به برادر خود دارد، نمی‌تواند ظلم و جور والدین و آزار و آذیت‌های آنها را نسبت به وی تحمل کند. از این‌رو والدین با فراهم آوردن چنین شرایطی سبب می‌شوند بخش آشکار مهربان و باگذشت‌لایه‌های شخصیتی این پسر نوجوان رفته‌رفته رنگ‌باز و دو

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

نمایشنامه «مرد بالشی» اثر «مارتین مک دانا» این روزها بازی نوید محمدزاده، حمیدرضا آذرنگ، علی سربای و بهرام افشاری بر صحنه تئاتر در حال اجراست؛ نمایش درباره خشونت والدین و دیگر بزرگسالان یا کودکان در دنیای بی‌رحم آدم بزرگ‌هاست. فضای این نمایشنامه به گونه‌ای است که نگاه ویژه‌ای به تاثیرگذاری مساله تربیت، روش‌های فرزندپروری و نقش والدین بر شکل‌گیری نظام شخصیتی افراد دارد. همچنین مطرح می‌کند برای آنکه آدمی از آزارهای روحی و روانی در امان باشد، چقدر خانواده می‌تواند نقش ارزشمند و حیاتی‌بخشی در پرورش انسانی بهنجار ایفا کند. این نمایشنامه با تم خشونت و بیان مساله کودک آزاری به واکاوی این معضل اجتماعی می‌پردازد اگرچه جهانی که

یادداشت

نگاهی به نمایش «مرد بالشی»؛